



۲۰۲۱/۰۸/۳۰



عبدالبصیر کاکر

رمز فرار غنی با ناکامی کودتای صالح و سیاست دو رخ پاکستان!

قسمت اول

کشور ما در يك مرحله حساس و بحرانی از تاریخ قرار دارد و اینکه در روز های آینده چه نوع تعامل و معامله در فورمول سیاست و سناریوی بعدی صورت میگیرد؛ تا هنوز زود خواهد بود که آنرا تحلیل و تجزیه کرد، اما در این مقاله به رمز فرار اشرف غنی از ارگ ، ناکامی کودتای صالح ، سیاست دو رخ پاکستان و تحویل قدرت به طالبان و آنچه جامعه جهانی و امریکا که چه نوع برنامه و پلان داشتند؛ میخوام تحلیل و تجزیه در مورد داشته باشم و پیش از همه با يك مقدمه تاریخی این مقاله را میخوام ، آغاز بکنم .

آنچه در این مقاله بخوانش گرفته میشود ، معلومات دست اول جناح طالبان ، برداشت از مصاحبه اشرف غنی ، اعلام امرالله صالح از يك مکان مجهول به غیابت رئیس جمهور ، طرف های تاثیر گزار در قضایای کشور و تکرار همان سناریوی دهه هفتاد هجری می باشد که يك مشت مزدور و اجیر به استخبارات بیگانه و جهان ، جهاد و مبارزه تمام اقوام ، اقشار ، احزاب و جناح های منسوب به مجاهدین را تحت عنوان ائتلاف شوم و منحوس جبل السراج با همکاری جنرال های حزب پرچم شاخه کارمل پلان و طرح ملل متحد را که بنام " طرح بنین سیوان " در صفحات تاریخ حک زده شده است ، سبوتاژ کردند .

کابل به جوی از خون تبدیل ، ارزش های مهم و اساسی مجاهدین به صفر ضرب ، به هر کنج و کنار از کشور انارشیزم ، قومندان سالاری و پاتک سالاری حاکم گردید .

این جنگ ، فتنه و توطئه خارجی ها در تبنای با جهت های داخل کشور کدام برنده نداشت و همان بود که تحریک طالبان بخاطر محو از شر و فساد و انارشیزم ایجاد گردید و طالبان توانستند که در وقت بسیار کمتر قسمت اعظم از جغرافیای افغانستان را تصرف بکنند .

بعد از وقوع حادثه یازدهم سپتمبر و بهانه هراس افگنی و القاعده ، رئیس جمهور امریکا جورج بوش با تصمیم عجولانه ، غیر انسانی ، غیر منطقی و غیر مترقبه با قوای ناتو تصمیم گرفتند که به افغانستان و عراق حمله و این دو کشور را مورد تجاوز و اشغال خویش قرار بدهند .

این جنگ و یورش نابخشودنی و غیر انسانی امریکا و جهان غرب در افغانستان به بهای عظیم مالی ، جانی و تسلیحاتی به دو طرف واقع شد، کشور ایالات متحده امریکا ، قوای ناتو ، کشور های همسایه و آسیای میانه آنچه در توان داشتند بخاطر محو طالبان بکار بردند .

این جنگ و تجاوز امریکا فقط بخاطر محو هراس افگنی در افغانستان نبوده و خواستند که دموکراسی به عاریت گرفته را بعد از تدویر مجلس در بن و عدم حضور طالبان و حزب اسلامی تحت عنوان مشارکت ملی و تکت های قومی ، قدرت را تقسیم کردند ؛ ولی آنچه واقع شد ما دیدیم که تجاوز و اشغال دو باره با مقاومت مردم افغانستان واقع گردید، امریکا و قوای ناتو از مادر بمب و انواع اسلحه کیمیاوی تا طیاره های بی پیلوت و B ۵۲ را در افغانستان بکار بردند و بالاخره بعد از سال ها اسامه بن لادن را در جغرافیای پاکستان نابود کردند .

بیشتر از دو تریلیون دالر امریکایی ، استرلینگ پوند و اسعار کشور های اروپایی و کمک های جامعه جهانی در افغانستان حیف و میل گردید ، افغانستان در ردیف اول فساد قرار داشت ، کشت و قاجاق مواد مخدر و اعتیاد مواد مخدر توسط جوانان ، روسپی های شهر کابل و ده ها فجایع دیگر چون نشر درامه های خارجی ، ترور نخبگان و دانشمندان کشور ، گراف آن سیر سعودی خودش را طی میکرد .

امریکا و جامعه جهانی و بخصوص بعد از دو دوره ریاست جمهوری بوش و اوباما رئیس جمهور ترامپ که يك تاجر می باشد ، متوجه شد که این جنگ و هزینه هنگفت آن و آنهم از پول مالیات دهنده های امریکا زیان بار است ؛ بالاخره تصمیم گرفتند ، که راه مذاکره و مفاهمه را با طالبان به پیش گیرند .

قسمت دوم

قرار بود که این مذاکرات و نشست ها در زمان ریاست جمهوری اوباما و رئیس جمهور حامد کرزی آغاز شود، طالبان با بر افراشتن بیرق امارت اسلامی در قطر دفتر سیاسی را افتتاح کردند ؛ ولی در داخل نظام و ارگ عده بی از حلقه های مخالف طالبان مانع آن شدند؛ تا اینکه حامد کرزی با وجود انتقادات شدید تحریک طالبان را بنحوی برادران ناراض خطاب کردند .

در داخل نظام افراد و حلقه های و بخصوص آنها نیکه امریکا را با B ۵۲ همکاری و تعاون کرده بودند ، مانع این کار شده ؛ نه تنها مسائل صلح ، مسائل دیگر ملی همچون انتخابات ، توزیع تذکره های برقی ، تقسیم قدرت ، انتخاب والی ها و در غیره مسائل ملی و داخلی ، ارگ را با جزایر محلی قدرت به چالش می گرفتند .

این جنگ ، مبارزه و مقاومت طالبان که تلفات مالی و جانی بشمول مردم رعیت با خود داشت ؛ بالاخره اداره ترامپ تصمیم گرفت که قوای نظامی خود را از افغانستان خارج و هم زمان مذاکرات صلح را آغاز کردند. نزد تحریک طالبان که اداره کابل يك رژیم دست نشانده ، اجیر و زاده اشغال شمرده میشد؛ با وجودیکه با امریکایی ها توافق داشتند با اداره کابل نشست ها و مذاکرات نیز داشتند از طرف دیگر ، ارگ و عده بی از افراد و حلقه های شریک خواهان صلح نبوده و با ادامه در جنگ با طالبان نفع گرفته و نمی خواستند که با طالبان صلح شود ، چون با آمدن طالبان با وحدت همه افغان ها در محوریت حکومت مرکزی قوی ترس و هراس دارند .

طوریکه آگاهی دارید و از حرف های اخیر رئیس جمهور مخلوع اداره کابل هویدا است که معامله در میان بوده که ایشان در سیاست همه طرف ها را ، ناکام عنوان کردند؛ در ضمن با وجودیکه او را القاب چون متفکر ، مدیر و شخصیت آکادمیک عنوان دادند ، او يك شخص ناکام در مدیریت و رهبری يك کشور متأثر از جنگ ، میتوان او را عنوان کرد که عملاً با مثال های عدیده ما همه بخاطر و حافظه داریم .

او فقط يك چهره پروجکتر گونه که روی سیاست و افکار تك محوری ، تفوق طلبی ، عدم مشوره و شنوایی با سیاست "تفرقه بینداز و حکومت بکن" ، میخواست همین طور پیش برود .

معاون او ضابط مستعجل استخباراتی و از مهره های خاص و وابسته به سازمان سیا و استخبارات کشور هندوستان که خود را يك چهره ضد پاکستان و با افکار جعلی ملی و همه شمول فعالیت داشت ، میخواست که با سنت خدع و فریب و پیروی از سنت جنگ های چریکی احمدشاه مسعود ، با کودتا اشرف غنی را خلع قدرت ، خودش را رئیس جمهور اعلام و کشور و پایتخت را به قهقرا جنگ های داخلی و انارشیزم دهه هفتاد هجری سوق بدهد و قتل اشرف غنی را به تحریک طالبان نسبت بدهد ؛ ولی او در این برنامه ناکام و نتوانست که موفق شود .

تعامل و بخش از معادله مذاکرات قطر که به شکل زمان گیر آن پیش میرفت و افراد اداره کابل به شکل سمبولیک در آن ضیاع وقت داشتند؛ قرار چنین بوده که میان مقامات امریکایی، تحریک طالبان، اشرف غنی، کشور های تأثیر گزار در اوضاع افغانستان و عده بی از سیاسیون که ولسوالی ها بدون درگیری و جنگ سقوط میکند، طالبان به شهر ها داخل نمی شوند و فقط در چهار اطراف کابل انتظار می باشند؛ تا اینکه در رأس تحریک طالبان قدرت را به یک اداره مشترک و مؤقت به شکل مصالحت آمیز آن تحویل داده میشود، بعد از تسلیمی قدرت ۶۰۰۰ هزار عسکر تریبه شده طالبان با یونیفورم نظامی و در هر قطعه ۲۰۰۰ عسکر بخاطر امنیت شهر کابل بخصوص وزرات خانه ها و ارگ به شکل منظم داخل کابل میشوند.

سقوط ولسوالی ها، شهر های بزرگ، تسلیمی قول اردو ها و فرقه ها تصادفی و آنی نبوده و همه روی همان تعامل و معادله میان طرفین پیش میرفت؛ تا اینکه تحریک طالبان به شهر کابل داخل نمیشوند و بعد از تسلیمی قدرت به شکل مصالحت آمیز آن قوای منظم و ۶۰۰۰ عسکر آنها ملبس به لباس نظامی داخل کابل میشوند.

امراالله صالح، بسم الله محمدی، یونس قانونی و عده بی از سران شورای نظام منحل شده حرف های از مقاومت دوم را در مقابل طالبان زمزمه داشتند و امراالله صالح از جمله کسانی بوده که از نخستین روز های پروسه صلح حرف جنگ و مقاومت را بلند میکرد.

آنچه میان اشرف غنی و امراالله صالح ظاهر و هویدا بود که میان هم اعتماد نداشتند و اشرف غنی در همه سفر های داخلی و خارجی به استثناء سفر اخیر او به تهران، امراالله صالح را با خود همراه داشت.

این در حالیست که قبل از فرار اشرف غنی، امراالله صالح با مهمات هنگفت و ۸۰۰ عراده تانک محاربوی و بخصوص عده بی از افراد قطعه صفر یک به صوب دره پنجشیر نا پدید شده؛ تا اینکه برای اغتشاش و تشنج زمینه آنرا مساعد بکند، قبل از پلان ترور اشرف غنی و تا اینکه عملاً چنین کاری صورت بگیرد، اشرف غنی فرار و صالح در این مرحله ناکام شده.

او با این عمل میخواست که از یک طرف چنین عمل را به طالبان نسبت بدهد و از ناحیه دیگر زمام امور کشور را با تعریف از قانون اساسی کشور به عهده گرفته و از این مرجع بر علیه طالبان به مقاومت ادامه بدهند.

همان بود که بعد از غیابت اشرف غنی اعلام کرد که نسبت فرار، فوت و یا غیابت رئیس جمهور در قانون اساسی معاون اول جا گزین رئیس جمهور می باشد.

هم زمان سفیر افغانستان در کشور تاجکستان، ظاهر اغبر نیز اعلام کرد که رئیس جمهور خائین ملی و باید توسط پولیس انترپول دستگیر و به محکمه جهانی احضار شود.

بسم الله محمدی وزیر دفاع پیشین که یکی از مهره های مهم شورای نظام و در این کودتا رول مهم و کلیدی را داشت، نیز در صفحه توئیتر خودش چنین مطلب را نشر کرده بود، "تا آخرین لحظه هم غنی خاین برای فروش مملکت من و همکاران ام را اغفال کرد، که ملت افغانستان قاضی خواهند بود، من از مردم ام آنچه را وعده سپردم و نتوانستم معذرت میخواهم." او همچنان چنین مطلب را نشر کرده بود "دست ما را از پشت بستند و وطن را فروختند، لعنت به غنی و دار و دسته اش!"

فراموش نباید کرد که سیاست دو رخ پاکستان که همیشه از متحدین امریکا بوده در اینجا مورد پرسش می باشد که در طول تاریخ ۷۴ ساله پاکستان و بخصوص بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷، از یک نظام مرکزی قوی در افغانستان در هراس و هیبت می باشد.

شما بخاطر دارید که با هجوم امریکا در افغانستان از یک طرف متحد به قوای ناتو و امریکا بوده و از ناحیه دیگر تحریک طالبان را با ایجاد آن حمایت و بعداً اکثریت از اعضای تحریک طالبان را به استخبارات امریکا تسلیم کو آنها را به گوانتانامو و بگرام زندانی کردند.

ضمناً در جنگ های داخلی و انارشیزم دهه هفتاد هجری با همه طرف های درگیر در جنگ رول کلیدی و آنها را حمایت مالی و تسلیحاتی مساوی داشتند.

حال یکبار دیگر ثابت کردند که اگر در افغانستان نظام مرکزی قوی ایجاد گردد همان دوستان قدیم خود را که تحریک طالبان را به وابستگی پاکستان حک زده بودند با یک طیاره شرکت PIA به بهانه مذاکرات بشمول رئیس پارلمان خلیل الرحمن رحمانی ، صلاح الدین ، یونس قانونی ، احمد ولی مسعود ، احمد ضیا مسعود ، فرزند عطا محمد نور ، لطیف پدram ، محمد محقق و محمد کریم خلیلی شامل این هیئت بودند که به پاکستان آنها را انتقال که چطور در آینده این مهره های مخرب را در داخل افغانستان داشته و به حیث ابزار استخباراتی بکار ببرند .

حال در اینجا بعد از دو روز سکوت رئیس جمهور نمی خواست صدایش را رسانه بی و از کشور امارت کلب و صدای خودش را رسانه بی بکند و عوامل گریز خودش را با ناکامی خود در سیاست ، ناکامی تحریک طالبان و مقامات ایالات متحده امریکا و غیره اتهامات اظهار و صفایی بکند .

تحریک طالبان به تعهد و قول خود ایستاده و نمی خواستند به شهر کابل قبل از تسلیمی قدرت داخل شوند ؛ ولی از اینکه رئیس جمهور برای حفاظت خود با پلان یک کودتا توسط امرالله صالح فرار کرد ، افراد و حلقات شریر منسوب به کودتا گران میخواستند نظم و امنیت شهر کابل را بر هم زده و به تلاشی بعضی از قسمت های شهر و دفاتر دولتی پرداختند و رئیس جمهور حامد کرزی با جدیت و قاطعیت با سران طالبان در تماس شده که هر چه زودتر عساکر طالبان به شهر کابل داخل و بعضی از سران آنها وارد ارگ شده و مسؤولیت ارگ را توسط یکی از افراد مسؤول و محافظ اشرف غنی با تلاوت از قرآن کریم به تحریک طالبان سپرده میشود .

طوریکه دنیا ، کشور های ذیدخل و در رأس ایالات متحده امریکا از جزیره های قدرت ، باج گیری ها ، فساد جنگ سالاران و تکنوکرات ها ، کشت و قاچاق مواد مخدر و مقاومت مردم و ملت مجاهد در مقابل اشغالگران خسته و شکست فاحش خود را پذیرفته و به این تصمیم شدند که افغانستان به یک حکومت قوی مرکزی ضرورت دارند و حال وقت آن فرا رسیده تا چهره ها و طرف ها عوض شوند .

تحریک طالبان امروز همان طالبان دهه هفتاد هجری نبوده و حال ما عملاً ویرژن جدید آنها را متفاوت از گذشته در رسانه ها با تغییرات فاحش آن با لباس ، قیافه و افکار تازه ، حوصله مندی ، تواضع و افکار ملی و اسلامی مشاهده داریم ، اگر چه خیلی زود است که از این بیشتر پیش گویی کرد ؛ ولی از جنگ ، برادر کشی ، مهاجرت ها ، مداخله کشور های بیگانه و ده ها مشکلات عدیده دیگر همه افغان ها خسته ، شکسته و ریخته شدند .

فراموش نباید کرد که تحریک طالبان فرزندان کسانی هستند که اجداد و پدران آنها اکثریت در مقابل تجاوز گران چون انگلیس و شوروی سابق کشور را از سیطره اشغالگران آزاد کردند ، حال فرزندان و نواده های آنها امریکا و قوای ناتو را شکست دادند و وقت آن فرا رسیده که همه افغان ها دست به دست هم داده و کشور جنگ زده و ویران ، ملت پریشان و بیچاره ، کودکان یتیم و بیوه زنان کشور ما را به جهت فلاح ، رستگاری و ترقی نجات بدهیم ؛ تا باشد نسل های بعدی ما بتوانند در فضای صلح ، وحدت ، ترقی ، تعالی و انسان دوستی در زیر لوای توحید و اسلام عزیز زندگی از صلح ، تسامح و هم پذیری را بین هم داشته باشیم .



عبدالبصیر کاکر